

دانشگاه تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل

انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان
به پاکستان و هند و تاثیر آن بر
حمایت پاکستان از طالبان

استاد راهنما: دکتر عبدالله رمضان زاده

استاد مشاور: دکتر حمیرا مشیر زاده

نگارنده: محمد حسن فقیری

سال تحصیلی ۸۹-۹۰

چکیده

پدیده طالبان که به عنوان مهم ترین چالش امنیتی در صحنه تحولات افغانستان خودنمایی می کند در سال ۱۹۹۴ در جنوب افغانستان بوجود آمد. این گروه در ابتدا با یک عملکرد مثبت در مقابله با ناامنی حاکم بر افغانستان خود را به مردم افغانستان و کل جهان معرفی کرد. خصوصیت مذهبی و عملکرد سریع این گروه در مقابله با فرماندهان محلی ولایات مختلف امیدهای زیادی در دل مردم افغانستان بوجود آورد. این گروه پس از اینکه در سال ۱۹۹۶ کابل را به تسخیر خود درآوردند، در مدت پنج سال حکومت شان در کابل برخلاف تصور همگان، اعمالی را مرتکب شدند که نه با آموزه های اسلام و نه با هنجارهای جامعه بشری امروزی سنخیت داشت. طالبان در مدت تسلط شان در افغانستان از حمایت های کشورهای خارجی خصوصاً پاکستان سود جستند. حمایت های پاکستان از طالبان به صورت همه جانبه بوده و می توان گفت مهم ترین عامل خارجی طالبان، پاکستان بوده است. در این پژوهش تلاش شده است علل حمایت پاکستان از طالبان در مقطع زمانی دهه ۱۹۹۰، که مصادف با شکل گیری طالبان بود، مشخص شود.

فهرست مطالب

مقدمه

- ۱ - طرح مساله
 - ۷ - بررسی ادبیات موجود
 - ۱۴ - هدف پژوهش
 - ۱۵ - ارایه فرضیه
 - ۱۹ - فرضیه اصلی
 - ۲۳ - روش آزمون فرضیه ها
 - ۲۶ - سازماندهی پژوهش
- بخش اول (کلیات و چارچوب نظری)
- ۳۰ - فصل اول: (کلیات) نگاهی به تحولات تاریخی افغانستان و ظهور و سقوط طالبان
 - ۳۲ - تاریخچه مختصر افغانستان
 - ۳۶ - عوامل بحران در افغانستان
 - ۳۶ - ترکیب جمعیتی افغانستان
 - ۳۷ - مذهب
 - ۳۸ - عوامل خارجی
 - ۳۹ - فصل دوم: (چارچوب نظری) جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی
 - ۴۳ - منافع ملی
 - ۴۴ - سه برداشت در مطالعه سیاست خارجی

۴۵..... - رویکردهای گوناگون در تشخیص سیاست خارجی

۴۸..... - انواع منافع ملی

۵۰..... - منافع ملی پاکستان در افغانستان

بخش دوم (بررسی فرضیه های رقیب)

فصل اول: اختلاف مرزی افغانستان و پاکستان برسر دیورند و تأثیر آن بر حمایت پاکستان از طالبان

۵۴.....

۵۶..... - تاریخچهٔ منازعهٔ دیورند

۶۲..... - تأثیر مسالهٔ خط مرزی دیورند بر روابط افغانستان و پاکستان

۶۴..... - بررسی عملکرد پاکستان در مورد مسالهٔ خط مرزی دیورند

۷۴..... - نتیجه گیری فصل

فصل دوم: اختلاف مرزی پاکستان و هند برسر کشمیر و تأثیر آن بر حمایت پاکستان از طالبان

۷۸.....

۷۹..... - موارد اختلاف هند و پاکستان

۸۰..... - منازعهٔ کشمیر بین پاکستان و هند

۸۵..... - تحولات کشمیر و اثرات آن بر عملکرد پاکستان

۸۷..... - بازتاب تحولات افغانستان در کشمیر

۸۸..... - عملکرد پاکستان در قبال کشمیر

۹۰..... - نتیجه گیری فصل

بخش سوم (فرضیهٔ اصلی)

۹۴..... مقدمه

۱۰۴..... فصل اول: (فرصت ها و منافع اقتصادی پاکستان در آسیای مرکزی)

- ۱۰۵.....- مسیره‌های پیشنهادی برای انتقال انرژی آسیای مرکزی
- ۱۰۹.....- خط لوله ترانس افغان
- ۱۱۳.....- اهمیت پروژه خط لوله ترانس افغان برای پاکستان
- ۱۱۵.....- تلاش‌های پاکستان برای برقراری روابط اقتصادی با آسیای مرکزی در دهه ۱۹۹۰
- ۱۲۰.....- نتیجه‌گیری
- فصل دوم: (ضرورت عبور از افغانستان برای دستیابی به اهداف اقتصادی در آسیای مرکزی و تلاش برای
- ۱۲۳.....ایجاد امنیت در افغانستان از طریق حمایت از دولت دستنشانده در افغانستان)
- ۱۲۴.....- وضعیت افغانستان در دهه ۱۹۹۰
- ۱۲۹.....- روابط پاکستان و طالبان
- ۱۳۵.....- بررسی شاخص‌های حمایت پاکستان از طالبان در دهه ۱۹۹۰
- ۱۳۷.....- نتیجه‌گیری
- ۱۳۹.....فصل سوم: (حکومت طالبان و امنیت در افغانستان)
- ۱۴۰.....- مشخصات کلی طالبان
- ۱۴۲.....- عملکرد طالبان
- ۱۴۶.....- زمینه‌های پیروزی طالبان
- ۱۴۸.....- روابط امریکا با طالبان
- ۱۴۹.....- عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران
- ۱۵۱.....- نتیجه‌گیری فصل
- ۱۵۲.....فصل چهارم: (نتیجه‌گیری کلی)
- ۱۵۸.....کتابنامه

مقدمه

طرح مساله

افغانستان با واقع شدن در قلب آسیا و داشتن موقعیت ژئوپلیتیک ویژه از دیر باز (بیش از دو قرن) مورد توجه و دست اندازی همسایگان و قدرتهای استعماری بوده است. واقع شدن در محل تلاقی تمدنهای بزرگ آسیایی (اسلام، بودایی، برهمنی)؛ دالان جاده ابریشم که قفقاز را به مرز باختری چین وصل می کند؛ همسایگی با پنج قدرت هسته ای منطقه ای (روسیه، چین، قزاقستان، هند و پاکستان)؛ قراردادن در چهارراه راهبردی خط و مسیرهای ترابری نفت اروپا - آسیای و به عنوان پل زمینی بالقوه خط لوله رو به جنوب از جمهوری ترکمنستان به دریای عمان از راه پاکستان، از جمله عواملی هستند که افغانستان را به یک کشور مهم در منطقه تبدیل کرده است.^۱ اما گذشته سی ساله این کشور و عملکرد حکام در مقاطع مختلف نشاندهنده این واقعیت است که نه تنها نتوانسته اند از این موقعیت استفاده کنند بلکه کشور را به سوی بحران پیش برده اند. مروری کلی در تاریخچه سی ساله افغانستان می تواند به روشن شدن موضوع کمک کند.

با کودتای داوود علییه ظاهر شاه در سال ۱۹۷۳ م ساختار قدرت در افغانستان دچار بحران شد و مشروعیت سنتی که بر سه پایه نظام سلطنتی، اسلام به تفسیر حنفی و زعامت قوم پشتون بود دچار بحران شد^۲ و با اشغال کشور توسط شوروی سابق در ۱۹۷۹ بحران وارد مرحله تازه ای شد.

اشغال افغانستان که مصادف با دوران جنگ سرد بود، توجه کشورهای سرمایه داری را به خود جلب کرد و آن را به کانون توجه غرب و حامیان جبهه سرمایه داری بدل کرد. برای بلوک غرب به سرکردگی امریکا فرصت مغتنمی بود تا بر پیکره تنها رقیب خود ضربه ای کاری وارد

^۱ - میشل چوسودوفسکی، جنگ جهانی سازی واقعیت های پشت پرده ۱۱ سپتامبر، ترجمه مجید نوایی، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۴)، ص

۹۵.

^۲ - چنگیز پهلوان، افغانستان، عصر مجاهدان و برآمدن طالبان، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷)، ص ۲۶.

آورد. بدین منظور "بزرگترین عملیات پنهان در تاریخ سیا در ۱۹۷۹ در افغانستان آغاز شد که با پشتیبانی آی اس آی پاکستان صورت گرفت و هدف آن تبدیل جهاد افغان به جنگ کشورهای مسلمان علیه شوروی بود."^۳ مصداق این مدعا را می توان در گفته های برژینسکی مشاور امنیت ملی دولت کارتر به خوبی مشاهده کرد که گفته است: "برای جهان چه چیز اهمیت بیشتر دارد؟ طالبان یا فروپاشی امپراتوری شوروی؟ چند مسلمان تحریک شده یا آزادی اروپای مرکزی و پایان جنگ سرد؟"^۴

با وجود این جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا ضمن تقبیح اقدام شوروی در حمله به افغانستان و اعلام آسیای جنوب غربی بعنوان حیاط خلوت غرب، اشغال افغانستان را جدیدترین تهدید برای صلح بعد از جنگ جهانی دوم به حساب آورد. در این راستا نیروهای واکنش سریع خلیج فارس تحت فرماندهی ایالات متحده با هزینه ۴۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ شروع به فعالیت کرد و شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل نیز بیانیه هایی را به هدف محکوم ساختن این اقدام منتشر کردند.^۵

در پی اشغال افغانستان توسط شوروی، علاوه بر بلوک غرب به رهبری امریکا، کشورهای اسلامی مثل جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و پاکستان نیز کمکهای مالی و نظامی را برای جهاد در افغانستان ارسال داشتند و بدین ترتیب بود که جبهه جنگ در افغانستان مملو از نیروهایی چون پاکستانی ها، عرب - افغانها در کنار مجاهدین افغانی شد.

ده سال جنگ و اشغال، افغانستان را به ویرانه ای تبدیل کرد و بیش از دو میلیون کشته، چند صد هزار زخمی و معلول، بیش از پنج میلیون آواره از وطن و نابودی زیرساختهای کشور را بهمراه داشت. هنگامی که در ۱۹۸۹ م نیروهای ارتش سرخ پس از ده سال به هیچ موفقیتی دست نیافتند و کشور را ترک کردند، امیدهای فراوانی برای مردم رنج دیده آن بوجود آمد تا بار

^۳ - چوسودوفسکی، پیشین، ص ۳۴.

^۴ - همان، ص ۳۵.

^۵ - یعقوب مشعوف، "زمینه ها و پسماندهای تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان"، ([http://jawedan.com/fa/index.php\(1388/7/12\)](http://jawedan.com/fa/index.php(1388/7/12)))

دیگر آرامش و امنیت را تجربه کنند، اما دیری نپایید مجاهدینی که سالها در یک صف علیه دشمن متجاوز جهاد کرده بودند بر سر تصاحب کرسیهای بیشتر در دولت آینده با هم به رقابت پرداختند و امنیت کشور را بیش از پیش به چالش کشیدند. لازم بذکر است که پس از خروج اشغالگران روس از کشور و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست کمونیسم، افغانستان از کانون توجه غرب خارج شده و اهمیت خود را ازدست داد.

در این میان کشورهای همسایه توجه مضاعفی را در حمایت از گروههای جهادی مبذول داشتند و با ایجاد احزاب پانزدهگانه، نقش درخور توجهی را در مناقشات بعد از اشغال بازی کردند. پاکستان همسایه جنوبی که اختلافات ارضی با افغانستان دارد، از زمان تاسیس (۱۹۴۷ م) تاکنون بیشترین دخالتها را در افغانستان داشته است. پس از سقوط دولت نجیب... در افغانستان و تشکیل دولت ربانی، سنت سیصد ساله تسلط پشتون به چالش کشیده شد. مخالفتی از طرف پشتونها به سرکردگی گلبدین حکمتیار بروز کرد و سر باز زدن وی از نخست وزیری ربانی و موشکباران کابل در سایه حمایتهای پاکستان و کشته شدن بیش از ۲۵ هزار انسان بی گناه در کابل، بحران افغانستان را پیچیده تر و ناامنی را به حد اعلای خود رساند.^۶

با وجود این، ناکامی حکمتیار در زعامت قوم پشتون باعث گردید تا طرح طالبان که خواهان استقرار مشروعیت تک قومی در افغانستان است بطور جدی به اجرا درآید. بستر داخلی برای گسترش طالبان را می توان نا امنیهای ایجاد شده در دولت مجاهدین دانست. ناتوانی مجاهدین در ایجاد یک دولت با اقتدار، خصومتهای شخصی و تعصبات قومی و در نتیجه نا امید شدن مردم از دولت مجاهدین زمینه را برای عرض اندام طالبان و بنوعی پذیرش از طرف مردم فراهم کرد.^۷

در مورد ایجاد طالبان دو نظر است:

یک دیدگاه معتقد است که طالبان در ابتدا گروهی خودجوش از طلبه های جوان در قندهار و به رهبری ملامحمد عمر بودند که قبلا در مدارس جمعیت العلماء اسلامی به رهبری مولانافضل

^۶ - محمد هاشم عصمت الهی و (دیگران)، جریان پرشتاب طالبان، (تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۸)، ص ۵۹.

^۷ - همان، ص ۶۲-۶۳.

الرحمان تحصیل کردند و پس از فتح کابل مورد توجه و حمایت سرویس امنیتی پاکستان (آی اس آی) قرار گرفتند. دیدگاه دوم براین عقیده است که آی اس آی طالبان را از مدرسه های دینی تجهیز کرد و آنان را به افغانستان فرستاد و مدام به آنان کمکهای فنی و لجستیکی می داد.^۸ بهر حال آنچه که اهمیت دارد این است که این جنبش خواسته یا نا خواسته بوجود آمده و بیش از نود درصد خاک افغانستان را در سال ۱۹۹۶ در اختیار گرفتند و نقش کلیدی آی اس آی، مدارس جمعیت علمای مولانا فضل الرحمن و نصرا... بابر وزیر کشور پاکستان را در ظهور طالبان نباید نادیده گرفت.^۹

مدارس جمعیت علمای مولانا فضل الرحمن نقش حمایت ایدئولوژیک را برای طالبان داشتند. به طوری که هزاران جوان پشتون که به پاکستان مهاجر شده بودند، با ورود به این مدارس و آموزش تعالیم دیوبندی، به طالبان متعصبی تبدیل شدند. حمایتها لجستیکی پاکستان از طالبان را می توان در موارد متعددی مشاهده کرد. یکی از موارد آن در سال ۱۹۹۵ زمانی است که پاکستان به طالبان اجازه داد یک انبار اسلحه متعلق به حکمتیار را که در "اسپین بولدک" واقع بوده و توسط نیروهای پاکستان محافظت می شد، در خدمت طالبان قرار دهد.^{۱۰} دولت پاکستان بلافاصله پس از فتح مزار شریف توسط طالبان، آنان را به رسمیت شناخت و به آنها اجازه داده شد تا کنسولگریهای خود در کراچی، پیشاور و کوپته را دایر کنند. پس از پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی تنها کشورهایی بودند که طالبان را با اصرار پاکستان به رسمیت شناختند.^{۱۱}

همچنین سفر بی نظیر بوتو به امریکا در بهار سال ۱۹۹۵ در تایید طالبان موید این است که پاکستان حامی سیاسی طالبان بودند و در این راه بطه حتی در تلاش بودند تا مقامات امریکایی را قانع کنند که طالبان را به رسمیت بشناسند. بوتو در این سفر با اعلام این که "طالبان حامی

^۸ - زیبا فرزین نیا، سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول، (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳)، ص ۷۴.

^۹ - عصمت الهی، پیشین، ص ۱۰۱.

^{۱۰} - احمد رشید، "پاکستان و طالبان"، افغانستان، طالبان و سیاستهای جهانی، گردآورنده: ویلیام میلی، ترجمه عبدالغفار محقق، (مشهد:

ترانه، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳.

^{۱۱} - فرزین نیا، پیشین، ص ۷۴.

پاکستان بوده و می‌توانند امنیت را در افغانستان مستقر کنند" در تلاش بود مساله فراموش شده افغانستان را با تعریف از طالبان به عنوان یگانه نیرویی که قادر به ایجاد امنیت در افغانستان هستند، مورد توجه مقامات امریکایی قرار دهد، به این ترتیب در شورای امنیت ملی امریکا، طالبان به عنوان نیروی بازگرداننده امنیت در سرزمینی که دچار تشتت بود مورد بررسی قرار گرفت.^{۱۲}

نادیده گرفتن حقوق اقوام غیرپشتون، نقض حقوق زنان، تعطیلی مدارس دخترانه و قوانین متحجرانه طالبان، تخریب آثار باستانی افغانستان و تاراج آنها، تولید انبوه مواد مخدر و در نهایت همکاری و پناه دادن به اسامه بن لادن مظنون اصلی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث اشغال افغانستان توسط امریکا در دسامبر ۲۰۰۱ و برچیده شدن امارت طالبان شد. در این مقطع پاکستان تلاشهای زیادی را در جهت راضی کردن طالبان به همکاری انجام دادند اما طالبان به هیچ وجه حاضر به تحویل اسامه بن لادن نشد و پاکستان ناامیدانه با حمله امریکا به افغانستان، تغییر موضع صدوهشتاد درجه ای را از خود نشان داد. پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان در ۱۳ سپتامبر پس از ملاقات با سفیر امریکا در پاکستان پیشنهاد کامل همکاری خود را برای مبارزه با تروریسم در منطقه اعلام کرد.^{۱۳}

بدین ترتیب آرزوهای پاکستان و تلاشهای بیست ساله آن در مورد افغانستان نقش بر آب شد. اما با وجود این، پاکستان بعد از یازده سپتامبر طالبان را کاملاً فراموش نکرد بطوریکه در طی نه سال گذشته تاکنون با وجود هشتاد هزار نیروی خارجی در قالب نیروهای آیساف و ناتو، موفقیت قابل ذکری در زمینه امنیتی حاصل نشده است و حتی در مقاطعی وضعیت امنیتی به مراتب از گذشته بحرانی تر شد، بعنوان مثال سال ۲۰۰۷ یکی از خونبارترین سالها پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در افغانستان بوده است. آنچه که امروز پس از گذشت نه سال از اشغال افغانستان توسط نیروهای غربی به رهبری امریکا در افغانستان خودنمایی می‌کند، افزایش ناامنی

^{۱۲} - محمد اکرام اندیشمند، امریکا در افغانستان، (کابل: بنگاه انتشارات میوند، ۱۳۸۴)، ص ۶۳.

^{۱۳} - Hamza Alavi, "Pakistan between Afghanistan and India", *Middle East report*, No. 222 (spring, 2002), p. 25.

ها و حملات انتحاری در کشور است، بر این اساس اکثر فرماندهان و ژنرالهای غربی مستقر در افغانستان اذعان بر بحرانی تر شدن امنیت و قدرت گرفتن مجدد طالبان، پس از ۱۱ سپتامبر در افغانستان دارند. گزارش "افغانستان در سال ۲۰۰۹" که از سوی ناتو منتشر شده است، نیز موید این مطلب است که "عناصر مربوط به ISI به طالبان کمک می کنند. این گزارش می افزاید که در حال حاضر، طالبان و دیگر گروههای مخالف از افرادی در داخل پاکستان کمک دریافت می کنند و تا زمانی که این کمکها قطع نشود، امنیت دراز مدت منطقه همچنان در خطر خواهد بود." ۱۴

پس از روی کار آمدن باراک اوباما در امریکا مساله خروج نیروهای خارجی از عراق، مهمترین اولویت سیاست خارجی امریکا تمرکز بیشتر بر افغانستان و نابودی طالبان و القاعده اعلام شد، بدین ترتیب باراک اوباما با افزایش ۱۷۰۰۰ تفنگدار امریکایی و پیوستن آنها به ۳۴۰۰۰ نفر نظامی امریکایی در افغانستان، تلاش دارد تا با تمرکز برمساله آموزش نیروی پلیس ملی افغان در جهت برچیدن طالبان و القاعده گامهای اساسی بردارد.^{۱۵} اما تا زمانی که پاکستان همچون گذشته به حمایت خود از طالبان ادامه دهد کمتر جای امیدواری است که در افغانستان امنیت برقرار شود، چرا که در بهترین حالت بسیاری از مقامات پاکستانی در تلاشند تا در دولت کرزی عناصر پشتون بیشتری وارد شود و از این طریق به اهداف خود در افغانستان دست یابند. در پژوهش حاضر با توجه به این که پاکستان در دهه ۱۹۹۰ از طالبان حمایت های بی دریغی کرد و این حمایت امروزه باعث طولانی شدن بحران در افغانستان شده است؛ سوالی که مطرح می شود این است که چه عواملی باعث حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان در دهه ۱۹۹۰ بود؟

بررسی ادبیات موجود:

درمورد حمایت پاکستان از افراط گرایی یا به عبارت دیگر ارتباط پاکستان با طالبان کتابها و مقالات متعددی نوشته شده و دیدگاههای متعددی در آنها منعکس شده است. برای مشخص شدن کمبودها و کاستیهای موجود در منابع حاضر به بررسی چند تالی آنها می پردازیم.

یک سری از مطالب و کتابها که در جمهوری اسلامی ایران به نشر می رسند، با اشاره هایی گذرا به مناقشات افغانستان با پاکستان بیشتر به نقد و بررسی عملکرد طالبان پرداخته و تاثیر رشد طالبان بر امنیت ایران را بررسی می کنند. به عنوان مثال پیر محمد ملازهی^{۱۶} در مقاله ای تحت عنوان " ثبات در افغانستان و نقش آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"^{۱۷} به بررسی افغانستان پس از طالبان پرداخته و مطرح می کند که ایران به خاطر نگرانی از مرزهای شرقی خود همیشه خواهان ثبات در افغانستان است و حضور طالبان در افغانستان می تواند امنیت مرز شرقی را به خطر افکند، اما با وجود این ، پذیرش نیروهای خارجی در افغانستان هم از نظر ایران پذیرفته نیست. از طرفی نیز در چند ماهه اخیر، با تحركات گروههایی ناراضی در سیستان و بلوچستان، تذکراتی به دولت پاکستان داده شده که در هر موردی دولت پاکستان، ضمن رد حمایت خود از گروههای افراطی، صرفا قول مبارزه با افراطیون را می دهند گرچه عملا متفاوت عمل می کنند.

نوذر شفیع نیز درمقاله ای تحت عنوان " تهدیدات امنیتی ایران از ناحیه افغانستان قبل و بعد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱" به تحولات افغانستان در قبل و بعد ۱۱ سپتامبر پرداخته و مهمترین مساله را در این مقاطع تقابلهای ایدئولوژیک می داند. وی افغانستان را در مقطعی میدان تقابل ایدئولوژیهای کمونیسم و سرمایه داری و در مقطعی دیگر عرصه تقابل کمونیسم و سرمایه داری در یک سو و اسلام در سویی دیگر می داند و تاثیری که این تقابلهای ایدئولوژیکی بر امنیت

^{۱۶} --کارشناس و تحلیلگر مسائل آسیا و عضو شورای غیر دولتی روابط خارجی موسسه تهران.

^{۱۷} - کتاب آسیا ۳ (ویژه افغانستان پس از طالبان)، (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳).

جمهوری اسلامی دارد را بررسی می کند. وی همچنین در این مقاله چالشهای چندی را در عرصه ایدئولوژیک در افغانستان در نظر می گیرد که چالش اسلامی را در قالب تضادهای شیعه و سنی زمینه ساز حکومت طالبان می داند.^{۱۸} هرچند وی در این مقاله به دخالت پاکستان در حمایت از طالبان اشاره ای ندارد ولی از توجه وی به تضادهای مذهبی در افغانستان اینطور استنباط می شود که حمایت پاکستان هم ناشی از قرابت مذهبی پشتونها و زمامداران پاکستانی باشد. بعبارت دیگر پاکستان از طالبان بدلائل مذهبی حمایت کرده و می کند.

پیتر مارسدن در کتاب **طالبان، جنگ، مذهب و نظم نوین در افغانستان** نیز با نگاهی به روند شکل گیری و رشد طالبان، حمایتهای پاکستان از طالبان را در آن مقطع (دهه نود میلادی) بیشتر همان کسب منافع اقتصادی و رقابت با ایران و ترکیه در بدست آوردن بازار تجارت با جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و همچنین مبحث انتقال انرژی این جمهوریها می داند.^{۱۹} البته در این مورد هم تنها اشاره ای به این موضوع می شود و لازم است که به جزئیات آن پرداخته شود.

سید مهدی موسوی علیزاده در کتابی با عنوان **افغانستان، ریشه یابی تحولات معاصر** با دیدی واقعی تر به تحولات افغانستان و روند شکل گیری طالبان و نقش پاکستان در این روند، نگاهی اقتصادی به موضوع دارد. از نظر وی، در سال ۱۹۹۴ همکاری طالبان با کاروان تجاری پاکستان که عازم آسیای مرکزی بود، آغازی برای همکاری طالبان و پاکستان و یا به عبارت دیگر تولد طالبان است. هرچند در این کتاب با همان دیدی به حمایت طالبان نگرسته که با نقطه نظر پژوهش منطبق است اما در مورد تولد طالبان باید در نظر داشت که جنبشی نیست که یک شبه

^{۱۸} - نوذر شفیع، "تهدیدات امنیتی ایران از ناحیه افغانستان قبل و بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱". <http://www.drshafie.ir> (1388/8/20)

^{۱۹} - پیتر مارسدن، **طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید**، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۹).

متولد شده باشد، بلکه به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران بذره‌های اولیه طالبان از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی و با حمایت پاکستان و امریکا پاشیده شد.^{۲۰}

یک سری از کتابها و مقالات که عموماً توسط محققین و صاحب‌نظران افغانستانی به رشته تحریر در می‌آیند بیشتر به مسائل قومی و مشکلاتی که پس از سقوط دولت کمونیستی نجیب ... در افغانستان ایجاد شد می‌پردازند. در کتاب **جریان پرشتاب طالبان**^{۲۱} که توسط گروهی از محققین افغانستان به رشته تحریر درآمده است، با بررسی زمینه‌های ظهور طالبان، به ناتوانی مجاهدین در ایجاد دولتی فراگیر و ملی اشاره و در کنار آن، عواملی چون خسته شدن مردم از جنگ، برتری جویی قومیت پشتون در قالب طالبان و حمایت‌های پاکستان از طالبان، را بر می‌شمرد. در این کتاب به نقش پاکستان در حمایت از طالبان از سه مجرای آی اس آی، جمعیت العلمای پاکستان و حمایت‌های بابر وزیر کشور سابق پاکستان نگریسته می‌شود.

از این سه منظر بطور کلی آنچه دلیل حمایت پاکستان از طالبان عنوان می‌شود، منافع اقتصادی و سیاسی پاکستان در افغانستان است. پاکستان تلاش دارد تا در افغانستان دولتی حاکم شود که داعیه پشتونستان را در مرزهای بین دو کشور مطرح نکند و در بعد اقتصادی، پاکستان به لحاظ مشکلات فراوان اقتصادی هم نیازمند تامین انرژی خود است و هم نیازمند بازار آسیای مرکزی، و برای رسیدن به این هدف طالبان را بهترین گزینه یافتند و بر این باور بودند که از کانال طالبان می‌توانند به اهداف خود در منطقه نایل شوند. هر چند بارها طالبان نشان دادند که به عنوان یک مهره شطرنج در دست پاکستان نیستند و جایی که منافعشان اقتضا کند، براحتی پاکستان را نادیده می‌گیرند.

میر آقا حقیقو در کتاب **افغانستان و مداخلات خارجی**^{۲۲} با برشمردن اهداف پاکستان در

افغانستان، به نه مورد اشاره می‌کند که مهم‌ترین آنها را می‌توان در ذیل مشاهده کرد:

^{۲۰} - سید مهدی علیزاده موسوی، افغانستان، ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، (قم: کیش مهر، ۱۳۸۱).

^{۲۱} - عصمت الهی، پیشین.

^{۲۲} - میر آقا حقیقو، افغانستان و مداخلات خارجی، (قم: انتشارات مجلسی، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۱-۱۶۷.

- تسلط بر راههای ارتباطی آسیای مرکزی و اقیانوس هند از طریق افغانستان به منظور تسخیر آسیای مرکزی تمدید لوله های نفت و گاز؛

- خاتمه بخشیدن به مساله خط دیورند؛

- سد نفوذ روسیه و هندوستان: توضیح این که همراهی پاکستان چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن با سیاست های غرب به رهبری امریکا، این کشور را در مقابل روسیه و متحد آن هندوستان قرار داده است. خصوصا این که این کشور از بدو تاسیس تا کنون بلحاظ مرزی با هند اختلافاتی را دارد. بر این اساس ایجاد دولتی همسو با پاکستان در افغانستان، می تواند منطقه حایلی را برای پاکستان بوجود آورد تا از این طریق نفوذ هند و روسیه بر پاکستان و همسایه آن افغانستان کم شود.

دیدگاه دیگری نیز در حمایت پاکستان از طالبان وجود دارد، مبنی بر این است که پاکستان از طالبان بعنوان اهرم فشاری در مقابل غرب، برای گرفتن امتیازات بیشتر استفاده می کند. زیبا فرزین نیا کارشناس مسائل پاکستان در کتاب **سیاست خارجی پاکستان، تغییر و تحول** با بررسی عملکرد پاکستان در ایجاد و تقویت طالبان، برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی، به چرخش ۱۸۰ درجه ای سیاستهای پرروز مشرف، رئیس جمهور وقت پاکستان بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ اشاره میکند. وی دلیل این تغییر رفتار پاکستان را کسب کمکهای مالی و امتیازاتی است که پاکستان از امریکا در قبال همکاریش در مبارزه با تروریسم بدست می آورد.

یک دیدگاه دیگر معتقد است که شکل گیری و تقویت طالبان به سالهای اشغال افغانستان توسط شوروی و اواخر جنگ سرد برمی گردد. در کتاب **جنگ و جهانی سازی (واقعیت های پشت پرده ۱۱ سپتامبر)**^{۲۳} نویسنده با برداشتن پرده ی ابهام از حادثه ۱۱ سپتامبر، آنرا دروغی ساخته امریکا و به طور مشخص سیا می داند. وی با اشاره به بزرگترین عملیات سیا در ۱۹۷۹ در قالب یک بسیج عمومی از کلیه کشورهای اسلامی، جهت شرکت در جهاد علیه اتحاد شوروی

^{۲۳} - چوسودفسکی، پیشین.

آنرا ساخته و پرداخته سیا و از مجرای آی اس آی پاکستان می داند و هدف آنرا نیز متزلزل کردن پایه های حکومت در شوروی و نهایتاً شکست کمونیسم می داند. در این کتاب وی با اشاره نقش فعال آی اس آی در مبارزه علیه شوروی، آن را مجری سیاستهای سیا در منطقه می داند. به نظر می رسد از این منظر تمام تلاشهای پاکستان در حمایت از طالبان و گروههای افراطی، همسویی با امریکا و کسب منافع سیاسی و اقتصادی است.

با یک برداشت کلی از منابعی که تاکنون مطالعه شده است، چند نظر در مورد حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان می توان به دست داد:

الف - مساله اختلافات مرزی پاکستان و افغانستان: پاکستان از زمان استقلال در ۱۹۴۷ تا کنون همواره با مساله اختلاف نظر خود و دولتمردان افغانستان روبرو بوده و در تلاش برای استقرار حکومتی در افغانستان است تا داعیه پشتونستان مستقل را مطرح نکند. در این جهت گزینه طالبان بهترین وسیله در جهت نیل به این هدف می داند.^{۲۴}

ب- رقابتهای پاکستان و هند بر سر کشمیر و همچنین رقابتهای تسلیحاتی دو کشور و تاثیری که این رقابت در حمایت پاکستان از طالبان دارد. هند برای پاکستان پیوسته به عنوان بزرگترین دشمن و خطر به شمار می رود، بنابراین پاکستان در تکاپوی دولتی همسو در افغانستان برای مقابله با هند است.^{۲۵}

ج- پاکستان به لحاظ اقتصادی، فقیر و مقروض است. بدهی های این کشور در دوره ده ساله ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۹ از ۲۰ میلیارد دلار به ۳۶ میلیارد دلار افزایش داشت. این کشور فاقد منابع و معادن مهم بوده و بشدت نیازمند انرژی وارداتی است^{۲۶}، این در حالی است که پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوریهای آسیای مرکزی که دارای ذخایر عظیم انرژی بودند،

^{۲۴} - میرافا حقجو، پیشین، ص ۱۶۱، احمد رشید، طالبان؛ اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، مترجم: اسدا... شفایی، صادق باقری، (تهران: انتشارات دانش هستی، ۱۳۷۹)، ص ۲۹۱.

^{۲۵} - س، م، بورک، لارنس زایرینگ، تاریخ روابط خارجی پاکستان، مترجم: ایرج وفایی، (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۴، حقجو، پیشین.

^{۲۶} - محمد هادی فلاح زاده، آشنایی با کشورهای اسلامی (۵) پاکستان، (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۵)، ص ۳۲.

به استقلال رسیدند، استقلال جمهوریهای مذکور فرصت رقابتی را برای کشورهای منطقه ای و جهانی ایجاد کرد تا از این منابع برای تامین نیاز خود بهره گیرند. پاکستان هم با توجه به نیاز خود به انرژی و همچنین بازارهای بالقوه مصرف این جمهوریها، تلاش زیادی را به عمل آورد. نخستین بار نصرا... بابر وزیر کشور سابق پاکستان در مورد اهداف اقتصادی پاکستان در آسیای مرکزی سخن به میان آورده و تلاش زیادی را نیز بعمل آورد. البته وی از طریق حمایت از طالبان سعی به نیل به این هدف داشت.^{۲۷}

د- یک مساله دیگر در مورد حمایت پاکستان از طالبان را می شود در همسویی با منافع امریکا دانست. بنظر می رسد جلب رضایت امریکا برای سران پاکستانی مساله مهمی است. پاکستان در دوران جهاد مجاهدین افغانستان علیه اشغالگران روس، بشدت با سیا همکاری داشته و با ایجاد و حمایت طالبان، امریکا را به هدف مهمش یاری رساند و دقیقا در براندازی حکومت طالبان بعد از ۲۰۰۱ م هم دوباره هم پیمان استراتژیک امریکا بود و در جهت نابودی امارت طالبان، با امریکا همکاری داشت.

در بررسی آثار موجود معایب چندی مشاهده می شود که به اختصار ذیلا آنها را بر می شمیریم:

۱- اختلافات مرزی افغانستان و پاکستان و داعیه پشتونستان بزرگ، مساله ای است که سالها، پاکستان با آن درگیر بوده است. از منظر اغلب منابع موجود، حمایت پاکستان از طالبان می توانست به پذیرش معاهده دیورند منجر شود که طالبان در مدت حکومت خود در افغانستان، هرگز دیورند را به رسمیت نشناختند.

۲- همسویی با منافع امریکا برای پاکستان به جهت نیاز اقتصادی و حمایتهای سیاسی امریکا، همواره مورد توجه دولتمردان پاکستانی بوده است. دراین باره اشاره های گذرایی در منابع

^{۲۷} - علی اصغر رجاء، " تاریخچه گروه طالبان"، سایت پژوهش سرای تاریخ افغانستان.

موجود شده است. از منظر این پژوهش این مساله را نیز می توان در قالب کسب منافع اقتصادی دانست.

۳- پاکستان با داشتن جمعیت بالای حدود صد و هشتاد میلیونی و نداشتن منابع زیرزمینی قابل توجه یک کشور فقیر بوده و در آن مافیای مواد مخدر و قاچاق کالا و انسان فعالیت گسترده ای دارد^{۲۸} که این خود بستری را برای تروریسم که امروزه معضلی جهانی است فراهم می کند. لذا همواره دولتمردان پاکستانی در اندیشه برون رفت از این بن بست و در جستجوی بازارهایی برای فروش کالاهای تولیدی خود و نیز تامین انرژی مورد نیاز خود هستند. فروپاشی اتحاد جماهیر در دهه نود میلادی و استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی، پاکستان را بر آن داشت تا با حمایت از طالبان به اهداف اقتصادی خود نایل شوند. در عمده آثاری که در این باره نوشته شده است بیشتر به حمایت پاکستان از طالبان اشاره ای گذرا شده است و عمدتاً پروژه ترانس افغان را که می تواند آثار منطقه ای شگرفی در از بین بردن ناامنیها در افغانستان و تامین منافع پاکستان و ... داشته باشد کمتر به آن پرداخته شده و یا آن را امری غیر ممکن می دانند. بعبارت دیگر راهکار تامین امنیت در افغانستان را نظامی می دانند.

از بررسی آثار موجود در مورد موضوع مورد بحث، این مساله استنباط می شود که کسب منافع اقتصادی برای پاکستان بخاطر داشتن شرایط نامساعد اقتصادی، یکی از دلایل مهم حمایت از طالبان بوده و هرچند در منابع موجود اشاراتی شده است، اما به جنبه های مختلف آن نپرداخته است. بعنوان مثال در مورد خط انتقال گاز ترانس-افغان که انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند را در برنامه دارد و آثار امنیتی مهمی که این خط می تواند بر امنیت در کشورهای منطقه و خصوصاً افغانستان و پاکستان داشته باشد، کمتر بحث شده است. لذا با توجه به نبود پوشش کافی در منابع فوق در مورد موضوع مورد بحث یعنی حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان به یک توجیه مناسب برای این پژوهش دست یافت.

^{۲۸} - احمد رشید، "پاکستان و طالبان"، در میلی، ص ۱۱۶.

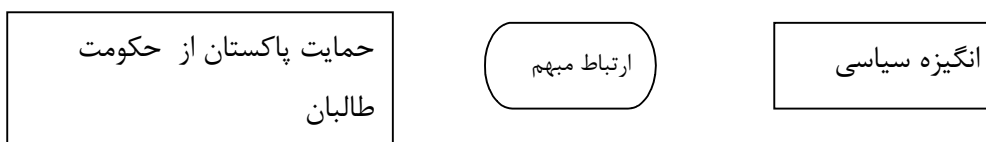
هدف پژوهش

با توجه به نبود پوشش کافی منابع موجود در زمینه علل اصلی حمایت پاکستان از طالبان، در این پژوهش تلاش خواهد شد تا علل اصلی شناسایی و راهکار راهبردی پیشنهادی برای حل بحران در افغانستان ارایه شود.

نظرات عمده ابراز شده در باره ی حمایت پاکستان از طالبان

با توجه به آثار بررسی شده در مورد مساله پژوهش، جهت برقراری رابطه ای علت و معلولی، عوامل عمده در حمایت پاکستان از افراط گرایان طالبان را بشرح ذیل بر می شماریم.

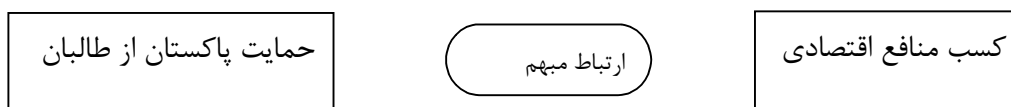
۱- انگیزه سیاسی و تاثیر آن در حمایت پاکستان از طالبان: " انگیزه سیاسی حمایت پاکستان از طالبان به مساله پشتونها در ایالت سرحد این کشور در بلوچستان باز می گردد. پشتونهای ایالت بلوچستان از سوی رهبران پشتون افغانستان حمایت شده و دارای تمایلات جدایی خواهانه و تشکیل یک کشور مستقل به نام پشتونستان بوده اند. پاکستان با حمایت دائمی از جناحهای پشتون در افغانستان (در گذشته از طریق حزب اسلامی حکمتیار و امروزه از طریق طالبان) قصد دارد با مسلط ساختن آنها در افغانستان پشتونها را راضی نگه دارد و در ضمن از حمایت پشتونهای داخلی در بلوچستان نیز برخوردار شود. سیاستهای دولت پاکستان، یکی از عوامل مهم تشدید اختلافات و درگیریهای میان پشتونها و بلوچهای پاکستانی و مشغول نگهداشتن بلوچها به این گونه مشکلات، در نهایت باز داشتن آنها از طرح خواسته های سیاسی محلی نزد اسلام آباد است."^{۲۹}



^{۲۹} - حمید احمدی، "طالبان، ریشه ها، علل ظهور و عوامل رشد"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۱، (مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، صص ۳۱-

۲- منافع اقتصادی (پروژه خط انتقال گاز ترکمنستان از افغانستان به پاکستان (تاپی)) و تاثیر آن بر حمایت پاکستان از طالبان: احمد راشد روزنامه نگار پاکستانی در مورد تاثیر مسایل اقتصادی می نویسد: "مدتها قبل از ظهور طالبان، عناصر پشتون در دولت بوتو و ارتش پاکستان ایده تامین یک راه تجاری جنوبی به آسیای مرکزی از طریق کویته، قندهار و هرات را به عنوان یک شق جایگزین دیگر مطرح کردند. بعدا طالبان تضمین کننده این راه شدند که پاکستان در نظر داشت در طول آن خطوط نفت و گاز، یک خط آهن به آسیای مرکزی احداث کند."^{۳۰}

در این باره حمید احمدی می نویسد: "پس از سقوط شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی، پاکستان همواره افغانستان را به عنوان یک دالان سودمند برای دستیابی به غنایم بازرگانی و تجاری کشورهای آسیای مرکزی می نگریسته است ... این موضوع، بویژه در رابطه با عبور لوله های نفت و گاز آسیای مرکزی از افغانستان، به سوی بندر کراچی بسیار اهمیت دارد و درآمد هنگفتی را نصیب پاکستان می کند."^{۳۱}



۳- تجربه نشان داده است که پاکستان در میدان رقابت با هند، توانایی برابری با آن را ندارد، چرا که هند امروزه در حال تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای است و امریکا هم با تقویت هند، سعی در مهار چین دارد. لذا پاکستان همواره سعی در جلب رضایت و توجه امریکا دارد تا از این طریق به منافی دست یابد و از رقیب خود عقب نماند. بدین منظور همگام شدن با سیاست امریکا برای جلب رضایت و حمایت امریکا در مقاطع متعدد از اولویت های پاکستان بوده است. بطوریکه در دوران جهاد و پس از آن در افغانستان، حمایت از جریان افراط و بنیادگراها را در برنامه کاری خود داشت و این در حالی بود که امریکا هم از این جریان حمایت می کرد. حتی در مقاطعی مجری سیاست امریکا در منطقه و بطور اخص افغانستان بود و جالب تر اینکه بعد از

^{۳۰} - ویلیام میلی، افغانستان، طالبان و سیاستهای جهانی، ترجمه عبدالغفار محقق، (مشهد: ترانه، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۱.

^{۳۱} - احمدی، پیشین.